



۲۰۱۶/۱۲/۱۶

مصطفی «عمرزی»



## اگر حاشا می کنیم، آزرده نشوند!

سهم پشتون های افغانستان با احیای سرزمین ما و رونق دوباره ی مرکزیت ها و بالاخره آن چه که کشور ما را



جزو مقال حاکمیت ها، بین المللی کرد، نه قابل انکار است و نه قابل چشم پوشی. این که این ایجاد با نام های افغان و افغانستان، اینک حقیقت ماست و نسبت به هر ایستگاه تاریخ افغانستان، مستند است و ارزش دارد، چه بخواهند و چه نخواهند، مَهر جهانی نیز خورده است. چنان چه نوشته ام، کسانی در زمان حال و در روزگاری که تضمین هستی و بقای انسان در جایی که نیازمند رفاه ست، مولفه ها و اجندا هایی می خواهد که هر کدام پیوسته با تفکر ملی، عنصر اقتصادی و آزادی های مبتنی بر فرهنگ ها و تجربه ی بیرون شده از میان اندیشه ها و کردار جوامع را می سازد، خود را برای تعلق خاطر و بدتر از همه انحصارات و گرایش های منزوی می کنند که درونکاو می ماهیت تفکر آنان، به شگفتی به علاقه ی شان برای بازی با سرنوشت دیگران بر می خورد و این

گرایش نادرست، بی هیچ مستند تاریخی و دلیل منطقی، توأم در ادبیات و میراث های تخیلی می شود و در بدترین مثال اش فراموش کردن زمان حال در تخیل زمان گذشته است، آیا می دانند در وقت مواجهه ی این مضحکه با واقعیت ها، چه چیزی بیشتر از نفي و طرد، انگیزنده خواهد بود؟

از هنگامی که سوژه های خنده آور آریانا، آریایی، خراسانی و غیره، محتوای بخشی از ادعای طرف ها را نه فقط برای وضاحت، بل برای خواسته ها تشکیل می دهند، از اصرار شماری در تعجب می افتم که چه گونه از شمایل گذشته ها که بیشترینه مغشوش و غیر مستند اند، قالبی می سازند که فقط افغانستان را مسخ کند؛ کسانی که خودشان را در گذشته های غیر مشخص، نامشخص کرده اند و خیالات شان بر آنان چیره شده است، از ما می خواهند آن چه را که به قول خودشان سهم ما می دانند، در مقوله ی بزرگی به نام کشور و ملت نفي کنیم و حاتم بخشی ای نماییم که هستی و زنده گانی ما بسته گی به آن ها دارد و در جهان امروزی که اسناد ملکیت مرغ و خروس نیز می روند محکمه یی شوند، آنانی که اصرار دارند خودما را مطابق دلخواه آنان، تحریف کنیم (چشم پوشی از افغان و افغانستان) آیا عقل دارند که وقتی بدیل می دهند، در جایی ایستاده اند و در فضایی تنفس می کنند که ما ساخته ایم! و اما از ما دعوت می کنند حقیقتی را که در آن زنده گی می کنند و شان صاحب یک کشور و ملت را دارند، به نفع خیال و گذشته ای که نیست، بدیل کنیم؟ اگر از آریانا تا آریایی و از خراسان تا خراسانی، حاشا می کنیم، نه فقط منوط بر این است که اشکال وخیم دارند و طنزی اند، بل منطق آنان برای کنار گذاشتن حقیقت و اختیار تخیل در جای واقعیت، موضع ما را برای نفي، محکم تر کرده است.

خوب ترین صورت پذیرش، در تعامل دو جانبه می شود. به این معنی که اگر از منظر ادعای تاریخی، واقعیت های دیگران را نفي می کنند، همین دست اویز، در زمان عکس العمل، می تواند روشنگر شود و در جایی به واقعیت برسد که واقعیت های کنونی در مسیر رقابت با عقده های دیگران، ملموس، محسوس و وجود دارند. موضع ادعایی دیگران را نه می پسندیم و نه آن قدر مهم اند که در پاسخ آنان ضیاع زمان کنیم. ما در کشوری زنده گی می کنیم که میراث آبا و اجداد ماست و مستند مدنی، فرهنگی و ارزش های آن که در کار حاکمیت و هستی اند، نتیجه ی زحمات مردان و زنانی ست که در این صورت واقعی و مستند (افغانستان و افغان) پذیرفته اند و کار کرده اند.

هیچ منطقی نمی تواند در برابر حقیقت افغانستان، ما را بر آن صراط نامستقیم بکشاند که می کوشند با تعمیم و نهادینه گی، مساله ی افغانستان در حد رسمیت قباله ی غیر افغانی، ادعای کسانی را ثابت کند که سال ها پس از غوغا و هیاهوی تجزیه و جدایی، وقتی افتیدند، دماغ شان به واقعیت زمین افغانستان، خورده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ